



هزری

سه بار خنده قبل از غذا

صبح، ظهر، شب!

□ به بهانه‌ی برپایی نمایشگاه بین‌المللی کاریکاتور (انسان و طبیعت) که توسط موزه‌ی آثار طبیعی و حیات وحش ایران، از تاریخ ۲۲ خردادماه به مدت بیش از یک ماه در محل موزه برگزار گردیده است، و به جهت اهمیت موضوع که به نوعی شعار سال سازمان ملل متحد را تحت عنوان «تنها یک زمین، مشارکت و مراقبت» تداعی می‌کند؛ برآن شدیم تا گزارشی مختصر از این نمایشگاه تهیه کنیم و نیز مصاحبه‌ای کوتاه با دبیر اجرایی این جشنواره داشته باشیم که ابتدا گزارش و سپس مصاحبه را می‌خوانید.

(گروه فانوس)

همه روزه در سرتاسر جهان در رابطه با بحران آلودگی محیط زیست و عواقب آن، هشدارهای بسیاری به بشر امروزی که می‌رود تا موجودیت خود را نیز زیر سؤال ببرد، داده می‌شود و تمامی تلاش‌ها بر سر این است تا انسان، خود را در مقابل حقایق تلخی که در آینده‌ی نزدیک و یا حتی حال بر سر تنها زیستگاه موجودات زنده خواهد آمد مسئول بداند و گوشه‌ای از سنگینی

پی‌آمدهای مصرف بی‌رویه و کورکورانه‌اش را بردوش خود حس نماید. در این راه از هرگونه وسیله‌ی ارتباطی که به نوعی می‌توانسته تأثیرگذار باشد استفاده شده است. از شعارهای تبلیغاتی مجالس و محافل کوچک و بزرگ گرفته تا ساخت فیلم‌های مستند و پژوهش‌های عظیم زیست‌محیطی و چاپ و ارائه‌ی بروشور، پوستر و کتب فراوانی که به این

مسأله‌ی بی‌فرنج پرداخته‌اند. نکته‌ای که در این جا قابل توجه است؛ سهم عظیمی است که هنر و هنرمند در این اطلاع‌رسانی به عهده داشته است. به‌ویژه این که زبان جهانی طنز شیرین‌ترین و در عین حال تلخ‌ترین شیوه‌ی برخورد با حقایق روزمره (اعم از مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...) می‌باشد. و به قول معروف، طنز، هنری است که نوک قلم را تیزتر کرده و به‌صورت

نیشتن جراحی درآورده است و شاید تنها فرقش با جراحی در این است که در این جا بیمار را بیهوش نمی‌کنند، بل که به هوش می‌آورند تا درد را بیش تر حس کند!

یکی از عمل‌کردهای شایسته‌ای که اخیراً توسط برخی از نهادهای سازمان‌ها و نیز پی‌گیری برخی از دوستان کاریکاتوریست رواج یافته است استفاده از هنر کاریکاتور در کنار گزارشات، سیمناورها و کلیه برنامه‌های ارتباط جمعی داخلی و خارجی و نیز بیان هرچه بهتر اهداف و آرمان‌های انسان‌دوستانه‌ی آن‌ها از این راه می‌باشد. از آن جمله می‌توان به نمایشگاه (باران) اشاره نمود که توسط وزارت جهاد سازندگی و به مناسبت هشتمین همایش جهانی سیستم‌های سطوح آبگیر باران، در تهران برگزار شد. هم‌چنین نمایشگاه جهانی (مبارزه با مواد مخدر) که به وسیله‌ی ستاد مبارزه با مواد مخدر تهران برگزار خواهد شد.

و اما نمایشگاهی که اخیراً توسط موزه‌ی آثار طبیعی و حیات وحش ایران برگزار گردیده، از چند جهت قابل تأمل است:

اول، بهره‌برداری از هنر کاریکاتور در جهت ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی است که در مقدمه مختصر به آن پرداختیم.

دوم، حضور پررنگ و چشم‌گیر کاریکاتوریست‌های سراسر جهان و نیز کشورمان ایران، در جواب به اعلام فراخوان نمایشگاه می‌باشد. به طوری که حتا پس از مهلت مقرر شده برای دریافت آثار و هم‌چنین داوری آثار؛ کارهای ۲۳ کاریکاتوریست خارجی دیگر نیز به دبیرخانه‌ی نمایشگاه رسیده است! که از آن جمله می‌توان به کاریکاتوریست موفق رومانیایی؛ کنستانتین سیوسو اشاره کرد.

آقای داود شهیدی (آرشیستک و کاریکاتوریست)، که خود نیز از شرکت‌کنندگان این جشنواره می‌باشد، دلیل این استقبال را حساس بودن موضوع می‌داند و نیز اضافه می‌کند که: «مسأله‌ی محیط زیست، حتا در کارهای معماری و شهرسازی هم نقش به‌سزایی دارد و هرگونه فعالیت بی‌رویه‌ی ساختمانی و صنعتی می‌تواند تهدید بزرگی برای محیط زیست و آینده‌ی بشریت باشد.»

سوم، برپایی جشنواره جهانی کاریکاتور در محل موزه‌ی حیات وحش می‌باشد به صورتی که علاقه‌مندان و مراجعه‌کنندگان علاوه بر بازدید از جشنواره، از نزدیک با آثار طبیعی و نیز حیات وحش آشنا می‌شوند!

البته ذکر دید طنزآمیز آقای مانا نیستانی،

دوست کاریکاتوریست‌مان و از شرکت‌کنندگان جشنواره، در این مورد هم خالی از لطف نیست. به نظر ایشان برپایی نمایشگاه‌هایی از این دست در محل فعالیت سازمان برگزارکننده، بستگی به سوره‌ی نمایشگاه دارد، چون بر فرض اگر موضوع (آب و فاضلاب) باشد، شاید جالب جلوه ندهد که در محل فعالیت برگزار شود!!

مورد چهارم، در زمینه‌ی داوری جشنواره می‌باشد. غالباً مسأله‌ی مورد بحث در جشنواره‌ها و مسابقات، مسأله‌ی داوری آثار می‌باشد. در این جا هم، براساس نظریات مختلف دوستان هنرمند؛ انتخاب آثار برگزیده می‌توانسته با حساسیت بیش تری انجام شود، اما این نکته که اکثر برنده‌گان از هنرمندان داخلی می‌باشند، باعث خرسندی و رضایت بوده است. آقای توکا نیستانی (آرشیستک و کاریکاتوریست) و از برندگان این جشنواره، معتقد است که داوری آثار نمایشگاه‌ها، همیشه مسأله‌برانگیز بوده است و می‌گوید:

«در این مجموعه کارهایی را به مراتب قوی‌تر از کارهای انتخاب شده؛ از جمله کار خودم، دیدم. اگر می‌خواستیم انتخاب موجزتر و خاص‌تری بکنیم، شاید برای انتخاب بهتر از این هم امکانی وجود داشت؛ اما یک هنرمند هنگامی که در نمایشگاه‌ها شرکت می‌کند، به طبع سلیقه‌ی داوران را هم در نظر می‌گیرد. بنده هم پیشاپیش که آثارم را به نمایشگاه سپردم با این فرض بوده که داورها به کار داوری اشراف دارند و از هنرمندان متعهد و متخصصی هستند. بنابراین اگر خلاف این مورد نظری داشتم، به هیچ وجه شرکت نمی‌کردم. منتهای مراتب اگر من به عنوان داور می‌خواستم از این مجموعه کارهایی را دست‌چین کنم، شاید کارهای دیگری را انتخاب می‌کردم.»

هم‌چنین خانم سپیده انجام روز، هنرمند کاریکاتوریست؛ نظر خود را چنین اظهار می‌کند: «معتقدم که یک فوتبالیست هنگامی وارد زمین می‌شود که تابع نظر داور باشد. من هم به عنوان کاریکاتوریستی که در این نمایشگاه حضور داشتم، حال مخالف یا موافق، به نظر هیات داوران احترام می‌گذارم.»

در این جا مناسب دیدیم که نظر آقای مسعود شجاعی (هنرمند کاریکاتوریست و یکی از اعضای داوری این نمایشگاه) را در مورد برپایی این جشنواره و نیز نحوه‌ی داوری آثار جوایا شویم. ایشان معتقد است: «جای بسی خوشحالی است که در فاصله‌ی چند ساله‌ی اخیر، کاریکاتور ایران یک رشد بی‌سابقه‌ی داشته است. خصوصاً

امسال که از هر نظر جدی گرفته می‌شود؛ در واقع کاریکاتور در داخل کشور از حالت محجوب و حاشیه‌ای خارج شده و شکلی مستقل به خود گرفته است. این نمایشگاه هم به واسطه‌ی آن که یک حرکت جهانی است و ایران را در معرض یک جریان فرهنگی قرار می‌دهد، بسیار قابل توجه است.

امروزه ما شاهدیم که بسیاری از صاحب‌نظران در مورد کاریکاتور ایران نظر مثبتی دارند. به عنوان مثال آقای جان لنت (محقق و مؤلف در زمینه‌ی کاریکاتور)، ایران را به عنوان یکی از چند کشور اصلی در زمینه‌ی کاریکاتور مطرح کرده است. در کنار آن، موفقیت کاریکاتوریست‌های ایرانی در نمایشگاه‌ها و مسابقات جهانی است که به سهم خود تأثیر عمده‌ای در این نظر داشته است.

ما در این نمایشگاه سعی داشتیم که داوری را بی‌غرض عمل کنیم؛ به طوری که اغلب کارها بدون آن که نام طراح اثر را بدانیم، به مرحله‌ی نهایی رسید و در آن مرحله به کرات متوجه شدیم که اکثر کارها متعلق به برویچه‌های ایرانی است و این بسیار عجیب و خوشحال‌کننده است. یعنی کارها از نظر کیفی آن قدر جذاب بودند که جای هیچ شک و شبهه‌ای را برای انتخاب داوران نمی‌گذاشت و نهایتاً از میان ده کار برگزیده، شش اثر متعلق به ایرانی‌ها بود.

مسأله‌ی دیگری که حائز اهمیت است برگزاری حدود ۳ نمایشگاه جهانی در ایران، آن هم در سال ۱۳۷۶ می‌باشد که یکی پس از دیگری واقع شده‌اند! یعنی پس از این نمایشگاه ما یک نمایشگاهی با موضوع مواد مخدر داریم و بلافاصله بعد از آن دوسالته‌ی کاریکاتور تهران را پیش رو داریم و این مسأله را تنها، حاصل تلاش همه‌ی کاریکاتوریست‌های ایرانی می‌دانم و امیدوارم سال به سال موفق‌تر باشند.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و در این جا تبریک می‌گویم به تمام برویچه‌های کاریکاتوریست ایرانی خصوصاً نسل جوان که از جهت تعریف، هرچه به آن پرداخته شود، باز هم کم است!

مسأله‌ی دیگر شکل‌گیری گروه‌های مستقل کاریکاتور در داخل کشور می‌باشد که برپایی یک چنین گروه‌هایی می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود و انگیزه ایجاد کند تا کاریکاتوریست‌ها هنر خود را جدی‌تر بگیرند؛ و یا حتا به فکر یک صنف حرفه‌ای کاریکاتور باشند.

به هر جهت هم‌اکنون که جایگاه کاریکاتور می‌رود تا مطرح شود و به صورت ارزشی جلوه

دهد باز هم شاهد آنیم که هنوز در مطبوعات جا پیدا نکرده است؛ و رفع این مشکل هم احتیاج به تلاش جمعی دارد که در غالب یک صنف، شکل بگیرد.»

و اما در مورد کم و کیف برگزاری این جشنواره با آقای علی دیواندری، هنرمند کاریکاتوریست و دبیر اجرایی جشنواره گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که بدین شرح است:

■ **چطور شد که موزه تصمیم به برگزاری این جشنواره گرفت و انگیزه و هدف از برپایی آن چیست؟**

○ کاریکاتور یک هنر کاربردی است و همیشه می‌تواند در خدمت اهداف علمی، فرهنگی و ایده‌آل‌های یک جامعه قرار بگیرد.

چنانچه می‌دانید خطرات زیادی کره‌ی زمین را تهدید می‌کند، از جمله شکاف در لایه‌ی اوزون، نابودی جنگل‌ها، بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت، تخریب زیستگاه‌های کره‌ی زمین، تولید نجومی جنگ‌افزارهای هسته‌ای و شیمیایی و غیره. بنابراین آماج حمله‌ی کاریکاتوریست‌ها، هشدار جدی و تلخ به جهانیان در لفافه‌ی هشیارانه از طنز و شیرینی بیان است. نیمه‌ی دوم سال پیش، هیات علمی موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران تصمیم به برگزاری نمایشگاه کاریکاتور داخلی گرفت و به جهت یافتن راه و روش برگزاری آن به سراغ من آمدند و هنگامی که این مسأله مطرح شد، من آنها را ترغیب کردم که نمایشگاه را از عنوان داخلی به بین‌المللی گسترش دهند. به طبع اوایل کار دچار یک مقدار تردید بودند که آیا می‌توان این حرکت را انجام داد یا خیر؟!

من هم به عنوان یک کاریکاتوریست یا یک رویاپرداز حرفه‌ای، - حداقل ده سال بود که در آرزوی برگزار کردن نمایشگاهی جهانی در ایران بودم و تصورم این بود که به هر حال با توجه به رشد هنر کاریکاتور ایران می‌توانیم در حال حاضر یک نمایشگاه جهانی با استانداردهای کاملاً بین‌المللی برگزار کنیم و با استفاده از تجربیات دیگر دوستانمان به‌ویژه موزه‌ی هنرهای معاصر، خودمان نمایشگاهی را تاسیس نماییم که تخصصی باشد و از این طریق نفس ایجاد نمایشگاه‌های تخصصی را در ایران به رسمیت بشناسیم. مسئولین موزه این پیشنهاد را پذیرفتند و تصمیم گرفتند که نمایشگاه را حول محور انسان و طبیعت برگزار کنند و در تکمیل این موضوع، شعار سازمان ملل متحد: «تنها یک زمین، مشارکت و مراقبت»، مدنظر قرار گرفت و ما کارمان را آغاز کردیم.



استقبال، بسیار بالاتر از حد انتظار ما به عنوان یک جشنواره‌ی نوپا بود. هنرمندان صاحب‌نامی چون: میخائیل زلاتکوفسکی - یوری کوزوبوکی - روسو - الکساندر کلاس - کارانوفسکی - آرای ازبک - کریستین مارکو - اسمیرنوف] ... بسیاری از نام‌آوران از ۵۲ کشور در این جشنواره شرکت کرده‌اند.

■ **در بین آثار به نمایش گذاشته شده کارهایی به چشم می‌خورد که شاید اولین اثر خلق شده‌ی هنرمندشان است. آیا کنار هم قرار گرفتن آثار ذکر شده و آثار غول‌هایی! مانند زلاتکوفسکی و غیره، هدف خاصی را دنبال می‌کرده و مدنظر داشته است؟! و این که اصولاً شرکت در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های جهانی چه فایده‌ای برای کاریکاتوریست‌های ایرانی دارد؟**

○ کاریکاتور ایران یک پدیده‌ی شگفت‌انگیز و جالبی است. به عنوان مثال شما می‌توانید حضور ۳ نسل را در این نمایشگاه لمس کنید: اول، نسلی که حدود ۷۰ سال از عمرش می‌گذرد و قبل از

در این جا می‌توانم عرض کنم که به عنوان یک گزارش ساده از نحوه‌ی فعالیت، ما کار اعلام فراخوان و ارسال بروشور مقررات نمایشگاه به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسوی، به سراسر دنیا را از پاییز سال ۷۵ آغاز کردیم، آن هم با عشق و شور و زحمت شبانه‌روزی! خبر نمایشگاه برای حدود ۱۸۰۰ کاریکاتوریست حرفه‌ای و آماتور و به‌ویژه اتحادیه‌ی کاریکاتوریست‌های اروپا (FECO) ارسال شد. به جهت ارتباط زنده‌ای که بنده با کاریکاتوریست‌های حرفه‌ای جهان داشتم شخصاً همراه بروشورها، با دست‌خط خودم از آن‌ها تقاضا می‌کردم که در این امر انسانی و برای حفظ کره‌ی زمین، شرکت کنند. بعد از گذشت یک ماه، به تدریج آثار کاریکاتوریست‌ها به دستم رسید. و نهایتاً بیش از ۲۵۰۰ اثر از ۸۷۸ نفر کاریکاتوریست خارجی و داخلی وصول گردید که از این تعداد ۴۶۳ نفر شرکت‌کننده‌ی ایرانی می‌باشند، کاریکاتوریست‌هایی اعم از حرفه‌ای و آماتور و مبتدی که در گروه‌های سنی بالای ۷۰ سال و حتی زیر ۷ سال می‌باشند.

انقلاب، به‌طور حرفه‌ای کاریکاتور را در نمایشگاه‌ها و مطبوعات ارائه می‌کرده است. دوم، نسل میانی که در حول و حوش انقلاب کارش را آغاز کرده و بالاخره نسل سوم، که بسیار پیش‌تاز می‌باشد. چه بسا کاریکاتوریست‌هایی که در عرض حداقل شش ماه با پشتوانه‌ای قوی از هنرهای تجسمی، اولین آثارشان را در این نمایشگاه ارائه کرده‌اند.

یک هنرمند کاریکاتوریست برای عرضه‌ی هنرش سه راه عمده در پیش رو دارد؛ ۱- آثارش را در یک نمایشگاه انفرادی به نمایش بگذارد. ۲- در یک نشریه، آثارش را ارائه کند. ۳- در نمایشگاه‌های جمعی داخلی و بین‌المللی شرکت نماید.

به نظر من یکی از آسان‌ترین و در دسترس‌ترین راه‌ها برای عرضه‌ی هنری و سالم کاریکاتور، شرکت در نمایشگاه‌های معتبر جهانی است. البته شرکت در این نمایشگاه‌ها مانند شرکت در خرید بلیط بخت‌آزمایی نیست که برنده شدن انگیزه‌ی اصلی هر فرد باشد. شرکت و حضور در این مجامع نوعی اظهار وجود، نوعی طبع‌آزمایی، برخورد مستقیم و متقابل با آثار و اندیشه‌های دیگران و حداقل نوعی جمع‌بازار هنری است؛ و طبعاً بسیار مفید خواهد بود. به علاوه به خاطر آن که غالب این نمایشگاه‌ها گزیده‌ای از آثار به نمایش درآمده و منتخب را در یک کتاب به چاپ می‌رسانند، جنبه‌ی رسانه‌ای و آموزشی فوق‌العاده‌ای ایجاد شده و بسیاری از این کاتالوگ‌ها در کتابخانه‌های معتبر بین‌المللی حفظ می‌شوند و مخاطب فراوانی دارند.

جشنواره‌های جهانی کاریکاتور شباهت فراوانی به جشنواره‌های بین‌المللی فیلم دارند. برای یک کاریکاتوریست چه نوپا و چه حرفه‌ای، بسیار ضروری و لذت‌بخش است که آخرین آثار و دست‌آوردهای هم‌قطاران خود را در سراسر جهان ببیند. چون خرید و اشتراک نشریات معتبر طنز ترسیمی و کاریکاتور در جهان گران است، خرید کتاب‌های آثار کاریکاتور هم مستلزم هزینه و مسافرت به کشورهای اروپایی است. پس می‌ماند شرکت در جشنواره‌ها و به‌دست آوردن کاتالوگ نمایشگاه‌های جهانی. البته آثار علاقه‌مندان کاریکاتور باید به حدی رسیده باشد که برای چاپ در کاتالوگ برگزیده شود و همین نیز مستلزم کوشش و مهارت است. کاریکاتوریست‌های واقعی موجودات سخت‌کوش و سمجی هستند! که برای رسیدن به هدف خود بسیار تلاش می‌کنند و به این سادگی میدان را ترک نمی‌نمایند.

■ آثار بسیاری هم از طرف نوجوانان به

دبیرخانه‌ی نمایشگاه رسیده است که در نمایشگاه مشهود نیستند. آیا فکر خاصی برای این بخش شده است؟

○ ما از اول نظرم آن بود که دو بخش حرفه‌ای و آماتور داشته باشیم البته تصور نمی‌کردیم که چنین استقبال گسترده‌ای از موضوع نمایشگاه بشود. با این حساب امکاناتی که ما برای تعداد محدودی در نظر گرفته بودیم جواب‌گوی کل آثار نبود. اما در نظر داریم که در اولین فرصت، یک مکانی را هم‌چون خانه‌ی کاریکاتور به نمایش آثار این عزیزان که حدوداً ۱۲۰۰ اثر می‌باشند اختصاص بدهیم.

■ ویژگی‌های یک نمایشگاه بین‌المللی موفق چیست؟

○ شخصاً به عنوان یک کاریکاتویست به نمایشگاه‌های بین‌المللی کاریکاتور با موضوع آزادگرایش دارم، اما موضوع برخی از نمایشگاه‌ها آن قدر به ایده‌آل‌های ما نزدیک است که غفلت کردن از آن‌ها موجب پشیمانی است.

هم‌اکنون بیش از هفتاد نمایشگاه و جشنواره جهانی کاریکاتور در کشورهای مختلف جهان اغلب به‌صورت سالانه و چند مورد دوسالانه برگزار می‌شوند، موفقیت امری است نسبی و به دلایل فراوانی بستگی دارد. اما مهم‌ترین عامل موفقیت یک جشنواره به درک درست برگزارکنندگان این هنر برمی‌گردد. بنیان برخی از مهم‌ترین جشنواره‌های جهانی کاریکاتور یا از هنرمندان طراز اول و یا از محققین و پژوهشگران ارجمند در رشته‌های علمی و فرهنگی بوده‌اند و غالباً دولت‌ها نقش اساسی در این رویدادها نداشته‌اند (مگر در مواردی که البته شهرداری‌های محلی حمایت مالی درخور توجه‌ای داشته‌اند).

به عنوان مثال، فدریکو فینی هنرمند فقید ایتالیایی که کاریکاتوریست قابل‌هم بوده است یکی از بنیان‌گذاران اصلی نمایشگاه جهانی کاریکاتور تولنتینو بوده است. و یا دکتر اسوالدو سوسا از کشور پرتغال که بنیان‌گذار یکی از بهترین نمایشگاه‌های طنز ترسیمی شده است. جالب است که بدانید باین که این سمپوزیوم جهانی اصلاً جایزه‌ای ندارد اما اغلب کاریکاتوریست‌های برجسته جهان با اشتیاق تمام در آن شرکت می‌کنند. و یا آقای وان‌دن بروکه، که این حقیر سعادت ملاقات با ایشان را داشته‌ام به عنوان یک معلم روستایی و محبوب فرانسوی بنیان‌گذار یکی از باشکوه‌ترین فستیوال‌های سالیانه جهانی کاریکاتور است.

■ مقوله‌ی داوری نمایشگاه‌های جهانی را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ بدون شک اکثر داوران یک نمایشگاه کاریکاتور باید از میان هنرمندان برجسته و باسابقه برگزیده شوند.

برای این منظور چند تن از کاریکاتوریست‌های برجسته و باسابقه‌ی کشورمان را دعوت کردیم. ترکیب هیات داوران متشکل از ۹ نفر بود که در این میان یک داور بین‌المللی از کشور ترکیه، که سابقه‌ی مسوطی در این زمینه داشته است، حضور داشت.

■ لطفاً اسامی هیات داوران را ذکر بفرمایید.

○ به جز دو متخصص عالی‌رتبه محیط زیست اغلب آن‌ها چنان معروف‌اند که نیازی به معرفی ندارند.

■ نقش هنر کاریکاتور در زندگی امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

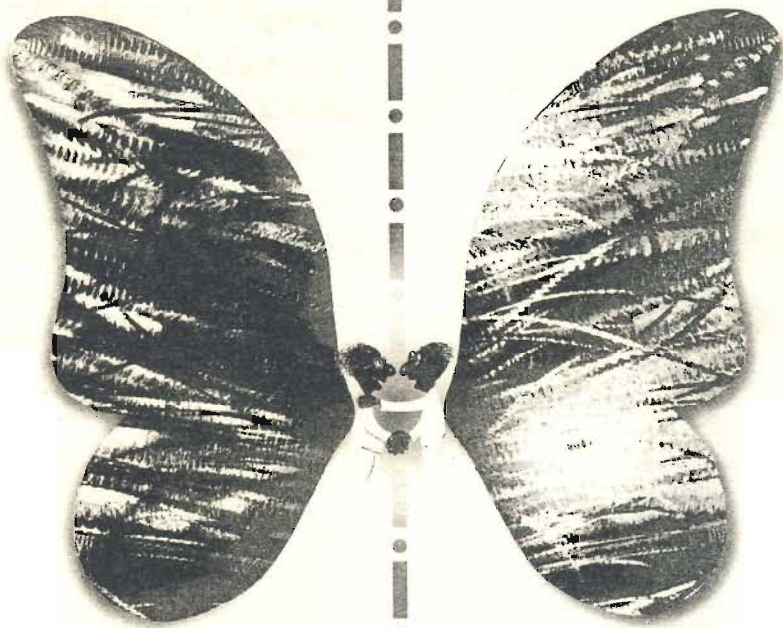
○ کاریکاتور یک هنر زنده و پویا است به‌ویژه در زمانه‌ای که عصر ارتباطات نام گرفته است. بدون شک یک زبان بین‌المللی مشترک بین انسان‌هاست که مرزها را می‌شکند و همه‌ابناء بشر آن را درک می‌کنند و به شرح و تفسیر نیازی ندارد.

اکنون در آستانه‌ی قرن ۲۱، زندگی ماشینی در غالب نقاط شمالی کره‌ی زمین و فقر و عدم توازن اجتماعی در نقاط جنوبی، چنان بشر را پیچانده و تابانده که بیم آن می‌رود چگونه خندیدن را از یاد ببرند. کاریکاتوریست‌های سراسر جهان در یک اتحاد نانوخته و ناخوانده آداب سه بار خندیدن، صبح، ظهر و شب قبل از غذا را به انسان یادآوری می‌کنند! علاوه بر این برخی از کاریکاتوریست‌های خوب جهان مثل دکتر رونالدو (جراح برزیلی)، هم‌زمان؛ با قلمش تومور مغزی و با جاقوی جراحی‌اش غده‌های سرطانی را معالجه می‌کنند.

■ آیا کاریکاتور ایران توانسته است جایگاه خود را بیابد؟

○ مهم‌ترین نکته‌ای که در مورد هنر کاریکاتور ایران توجه را به خود جلب می‌کند، خیل عظیم مشتاقان این رشته است. من هیچ اعتقادی به نخبه‌گرایی در هنر کاریکاتور ندارم و برآنم که اصولاً همه‌چیز باید در دسترس همه باشد و هر کس حق انتخاب داشته باشد.

عاشقان این رشته بسته به توانایی خودشان هر کدام راهی برای ابراز وجود پیدا کرده‌اند. در برخی از نمایشگاه‌های جهانی، شرکت‌کنندگان ایرانی رکورد حضور را شکسته‌اند و تعدادشان از کشور میزبان هم بیش‌تر است. قطعاً این حضور



از لحاظ کمیت به تدریج کیفیت آثار هنرمندان ما را بالاتر خواهد برد و این اتفاق خجسته‌ای است. پیش از این هم در مصاحبه‌ای گفته‌ام که ما ممکن است در حال حاضر نتوانیم از نظر تکنولوژی یا دنیا رقابت کنیم، اما از لحاظ هنری و فرهنگی هیچ چیزی کم نداریم. ما بر بستری از یک تمدن کهن قدم می‌زنیم، ما هم‌چنان در اقیانوسی از سوره‌های بکر و دست‌نخورده شناوریم.

■ آیا هنر کاریکاتور می‌تواند هویتی ملی و بومی داشته باشد؟

○ کاریکاتور قبل از هر چیز محصول یک تجربه و مبادله‌ی بین‌المللی است و زبان مشترک بصری بین انسان‌ها است تفاوت‌های محلی و بومی بیش‌تر ناشی از عناصر به‌کار رفته در آثار طنزآمیز است و غالباً شکل و فرم و تکنیک ارائه‌ی آثار طنز ترسیمی در نقاط مختلف جهان بسیار به هم شبیه هستند.

آن‌چه هنوز در کشورهای مختلف جهان بیش‌تر رنگ و هویت ملی و بومی دارد، کاریکاتورهای ادیتوریال است، که مبتنی بر ادبیات و باورهای ملی و منطقه‌ای می‌باشد. من ضمن ارج و احترام خاصی که برای جویندگان هویت ملی در هنر قایل هستم، برآنم که جست‌وجو در یافتن مضامین طنزآمیز و بکر و کشف راه‌های ظریف روح آدمی از خنده تا زهرخند، بسیار ارزشمندتر است.

■ کاریکاتور نیست خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

○ دو عنصر اساسی و واجب را در آن واحد داشته باشد، اول آن که بکوشد انسان شایسته‌ای باشد و روح رند و طنزپرداز و نقادی داشته باشد، دوم آن که طراح نقاش و در عصر جدید گرافیکست قایلی باشد. کاریکاتور نیست خوب شدن بسیار سخت و جان‌فرو ساست؛ در گذشته‌های نه چندان دور گمان می‌کردند هر هنرآموزی که نمی‌تواند اندام و یا چهره‌ی آدمی را طبیعی و نرمال نقاشی کند پس خودپس خود کاریکاتور نیست می‌شود. قضیه درست برعکس است با آب در هاون کوبیدن نمی‌توان تک‌نواز ارکستر سمفونیک شد!

■ در مورد انتشار کاتالوگ نمایشگاه بگوئید و این که در چه مرحله‌ای است؟

○ دوستانم می‌دانند که من به شخصه عاشق کاتالوگ کاریکاتور هستم و معتقدم که هر نمایشگاهی برای تداوم خود و نیز برای نشان دادن ثمرات کار خود، باید کاتالوگ نمایشگاه را منتشر و عرضه نماید. در واقع می‌توان گفت که کاتالوگ یا کتاب؛ میوه‌ی یک نمایشگاه به‌حساب

کاریکاتور نیست که سابقه‌ی فراوان و درخشانی دارید، اگر صحبت و نکته‌ی خاص و ناگفته‌ای مانده، ذکر نمایید.

○ آثار بیش از ۸۰ کاریکاتور نیست ایرانی به نمایشگاه راه پیدا کرده است که من در این‌جا می‌توانم ذکر کنم که به‌طور غیررسمی انجمن کاریکاتور نیست‌های ایران تشکیل شده ولی رسمیت نیافته است. چون حضور ۸۰ کاریکاتور نیست ایرانی در یک نمایشگاه اتفاق خجسته‌ای است. به عقیده‌ی من، ما می‌توانیم انجمن صنفی کاریکاتور نیست‌های ایران را با این هدف اولیه تشکیل بدهیم که این هنرمندان هم مانند سایر افراد، حقوقی دارند که باید اعاده شود. حداقل حقوق این عزیزان این است که در نشریات مختلف روی این مسأله ارزش‌گذاری شود، به عنوان مثال متاسفانه در بسیاری از مجلات و روزنامه‌ها کارهای هنرمندان بدون امضا چاپ می‌شود، حال چه برسد به این که دستمزد درخور آن‌ها را بپردازند. حتماً واقف‌اید که متاسفانه در ایران نمی‌توان از طریق کاریکاتور امرار معاش کرد! بنابراین کاریکاتور نیست‌های ما بیش‌تر به حرفه‌های دیگری می‌پردازند و تنها بخشی از وقت خود را صرف کشیدن کاریکاتور می‌کنند.

به امید روزی که ما بتوانیم از نیروهای بلقوه و بلغعل زیادی که در زمینه‌ی کاریکاتور داریم برای گسترش آن استفاده‌ی شایسته و بایسته‌ای نماییم.

■ با تشکر از شما که در این مصاحبه شرکت نمودید.

○ من هم بسیار ممنونم. □

می‌آید و بدون آن یک جای کار خواهد لنگید! ما هم در دستور کارمان، انتشار کاتالوگ را عنوان کرده‌ایم و امیدواریم که در اولین فرصت آن را منتشر و عرضه نماییم.

■ لطفاً در مورد سوژه‌ی پوستری که برای این جشنواره طراحی کرده‌اید توضیح بدهید.

○ پوستر ما نمایشگاه قبل از آن که بخواهد صرفاً روح و یا عمق موضوع انسان و طبیعت را بیان کند، در واقع اثری است که به‌صورتی می‌خواهد هنرمندان و در کل انسان‌ها را اعم از نژادهای مختلف جلب کند به طرف، نوعی وحدت و مشارکت.

پوسترها در حقیقت یک نوع حس وحدت‌جویانه را دنبال و الغاء می‌کند و حتا این مهم از پوستر سرایت کرده به قاب‌های نمایشگاه! یعنی همان‌طور که مشاهده کرده‌اید ما در هر قاب دو اثر را قرار داده‌ایم و سعی کرده‌ایم که در کل نمایشگاه حس وحدت‌جویی را تسری بدهیم. پوستر اعم از یک خطر مرزی است که محل تلاقی دو شخصیت و دو نژاد مختلف در وسط این خط، پاک شده و آن‌ها به نوعی وحدت رسیده‌اند و در واقع دو بال پروانه یکی شده‌اند و در این‌جا نیز تاکید بر روی حس مشارکت است که باعث شکوفایی دنیا می‌شود.

به هر حال وجود بال پروانه و انسان در این پوستر به نوعی تداعی‌کننده‌ی موضوع نمایشگاه هم می‌باشد.

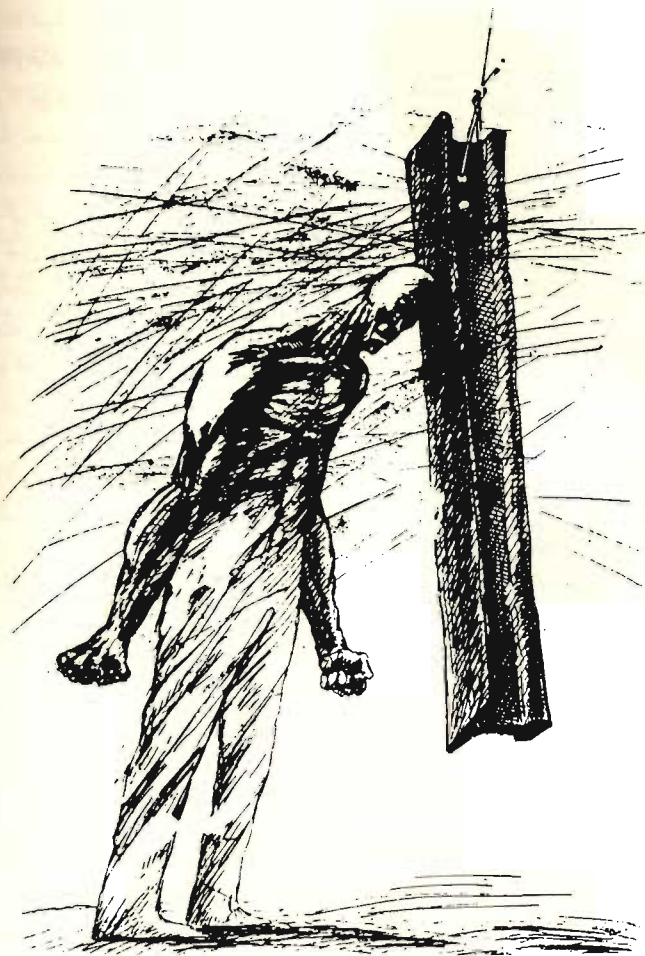
■ به عنوان دبیر اجرایی این جشنواره و یا در کمال به عنوان یک هنرمند

■ میخائیل. م. زلاتکوفسکی

(Mikhail. M. Zlatkovski)

متولد ۱۹۴۴ - فارغ التحصیل دانشگاه

مسکو در رشته‌ی فیزیک اتمی



شاید در میان نسل حاضر
کاریکاتوربست‌ها، تنها نامی که هم‌چنان در
وادی طنز سیاه می‌درخشد؛ زلات باشد! (اجازه
بدهید به قول دوستان، از او با نام خودمانی زلات
نام ببرم!!)

کمتز اتفاق می‌افتد که علاقه‌مندان
کاریکاتور، با دیدن آثار او به نوعی شوکه و یا
غافلگیر نشده باشند.

هر اثری که می‌آفریند؛ انگار گامی است به
جلو و طنزی است تلخ‌تر و گزنده‌تر. آثارش؛
اتوهای پر قدرت لئوناردو داوینچی را تداعی
می‌کند، و با اندکی اغراق؛ گویی یک روح‌اند در دو
جسم!!

علاوه بر قدرت اجرایی کاریکاتورهایش، از
نظر سوزه‌یابی نیز حضوری چشم‌گیر و قدرتمند
دارد. به طوری که گاهی به مثابه‌ی یک
سیاستمدار عمل می‌کند، اما با این تفاوت که وی
با زبان تیز طنز سخنرانی می‌کند.
جدای از تصویرسازی برای نشریات
مختلف؛ او در فستیوال‌های جهانی کاریکاتور هم

طراحان طنز اندیش جهان

حسن کریم زاده



حضور یافته و جوایز فراوانی را درو کرده است!
همچنین زلات، کارهای بسیاری را در زمینه‌ی

پوستر، تصویرسازی، و نیز انیمیشن انجام داده
است. زلات روسی، هم‌اکنون در کورونادوی
آمریکا اقامت دارد. کارهای او، ناخواسته مرا به
یاد بیت زیبای زیری اندازد که نخستین بار از
قلم استاد ارزشمند، خانم ایراندخت محمص
خوانده‌ام:

خنده‌ی تلخ من از گریه، غم‌انگیزتر است
کارم از گریه گذشته است، از آن می‌خندم. □